

سال اول شماره دوم ۱۳ فروردین ۱۳۵۰ بهای ۱۵ ریال

تئاتر

قمر خانم با داماد خود ازدواج کرد

یک دربر تکرار اختصاصی از مراسم ازدواج پروین ملکوتی و محسن هرندی



جدول و شرح کامل برنامه‌های این هفته وادیه و تلویزیون



۱۳۵۰ سال کوروش بزرگ

شاهنشاه آریشهر دو پارس که در کستانه سال نو بدلت ایران فرستاده
ضمن اشاره بهتولید اجتماعی و اقتصادی و سیاسی شکر و سال ۱۳۴۹
برای سال نو طرحی خوششان و امید بخش فرمودند و این سال پربرکت
را به نشان ادای احترام به بنیانگذار شاهنشاهی عظیم ایران، که دودمان
پانصمین سال آن در مهر ماه همین سال جشن گرفته میشود، سال ترویج
بزرگ نامیدند.

اینکه برچه خوانندگان گرامی را به پیام شاهنشاه آریشهر جلب میکنیم
از فرا وسعت تفریز پادشاهی را به همه مردم ایران شگفتی میکند
و شادانی درگاه روز افزون حکم را در سال نو از خوانند صفت داریم،
سالی که اینک آغاز میشود سال پرگزازی جشن دوازده پانصمین
سال شاهنشاهی ایران است و از این جهت پیشکش ادای احترام ملی بمقام
بنیانگذار این شاهنشاهی، این سال را سال کوروش بزرگ اعلام میکنیم.
سلطان بهترین هدیه‌ای که ما میتوانیم در اکتل چنین سالی به این هورانی
جلوه‌های تاریخ ایران بچشم، وجود ایرانی سرافراز و مصلحتی و آباد است که
با آقا به میراث تعلیم گذشته خود روی به آینده‌ای بازمی‌روشنی دارد
لایه‌های از سستی که بدست کوروش هدایتش آسمانی شاهنشاهی ایران
قرار گرفت، همچنان دفاع اصول عالی‌تر دوستی و احترام بهتولیدات
و دفاع از موافقین جاودانی صلوات و صلوات در عین این روز است.

شاید در تاریخ جهان موردی دیگر نتوان یافت که مقلی عیسوی
همچنین نین حوادث و سوانح، اصالت روس و شصبت منوی خویش را
تا بدین درجه حفظ کرده باشد و توانسته باشد با الهام از همین نیروی
آزاده، پس از هر دوران تاریخی بار دیگر نیرومندی و سرافرازی از گذشته
را برافشاند خویش را بسوی آینده‌ای روشن از سر گیرد.

سالی که گذشت یکی از درخشندترین سالهای تمام دوران تاریخ ایران
بود. در این سال همه برافه‌های وسیع و وسع کشور نو ریشه‌های مختلف
اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، بهداشتی، کالونی، آموزشی، علمی،
فرهنگی، دادگستری، ساختاری و کلیه شئون دیگر باکاستند و حتی دنیا
به‌وسیله بیشتر و بهتر از آنچه در برافه‌های پیش بینی شده بود به‌عمری خیرا
درآمد. رشد اقتصادی سالانه کشور در رقم کمی بیش از ده درصد به‌دقت
تأیید باقی ماند و شاید ذکر این نکته بی‌مورد نباشد که در سال گذشته
آخرین سال دهه ششم قرن حاضر بود نسبت به آخرین سال دهه چهارم درآمد
سرازم ملت ایران به بیش از دوازده بالغ گردید.

در اصلاحات اداری که تقریباً در آغاز این دهه شروع شده بود تا
لیحه سال ۱۳۵۰ باقی خانه خواهد یافت و بدین ترتیب یکی از بزرگترین
نحوالات اجتماعی تاریخ کشور ما به صورت لطف کامل درخواهد آمد.

الجن های اسامی و شهرستاره برای نخستین بار در تاریخ مشروطیت
ایران دو سال گذشته شروع به کار کردند و در سیران کار مردم مردم بمقتضی
نشی به سبب ده.



در هیچ يك از هزاره‌های قدیم ایرانیان روز سیزده تیرروز را برای تفریح
مروج از خانه بیرون نمی‌رفتند و این کار مربوط به بعد از اسلام است. پس از
بلای عرب بر ایران ما اینکه ایرانیان بیشتر آداب و رسوم خود را از ماد
نه چنی تیرروز با همه سلاطین خویش بر جای ماند. ایرانیان یاستان چندی
سیزده تیرورین روز ششم آن ماه را جشن می‌گرفتند و شادی می‌کردند.
این روزی تردینی باقی نمی‌ماند که حقیقه به صورت سیزده، بعد از اسلام
سال ایرانیان رواج یافته است. در کتب مذهبی به بسیاری از احادیث
بخوریم که در آن حکم به صورت عدد سیزده شده است. ایرانیان مسلمان
برای فرار از صورت عدد سیزده پس از آنکه موازید روز آن فروردین ماه
به شادی به پایان می‌بردند، روز سیزده را به دامان بخت و یاغ می‌رفتند تا از
دانه در امان بمانند و به اصطلاح صورت سیزده را از خانه خویش بیرون
ند. در دوره مأمون، خلیفه عباسی که بهشت ترجمه در عالم اسلام قوت
ت و سلطانان دست بکار ترجمه آثار یونانی زدند بسیاری از آراء و عقاید
که به‌دین وارد اسلام شد، از جمله اعتقاد به صورت عدد سیزده که نزد
مورسیان جدید صبی شوم و مخصوص شرده می‌شد، چه آنها بیشتر مسائل
عدد می‌نمودند. صورت را به سیزده و یکی را به هفت.

ایرانیان خود عدد هفت را مقدس می‌شمردند و هفت آمشایند و هفت
لی و هفت عنوان رستم یادگار آن دوران است. ولی اعتقاد به صورت
نه و اینکه در سیزدهم فروردین ماه باید از خانه بیرون رفت و باغوش
را و دشت پناه برد و صورت را بدر کرد، در دوران بعد از اسلام تثات
نشد.

اعتقاد به صورت عدد سیزده که فیثاغورسیان جدید به عالم اسلام وارد
شد با مراسمی که ایرانیان در روز ششم تیرروز در زمان ساسانیان برپا
داشتند باهم برآمیخت و جشن سیزده را پدید آورد. عقیده نسی بودن عدد
نه رفته رفته از یونان سایر کشورها سرایت کرد. معروف است مردمی از
من ابوالره ششم شکایت کرد که یکی از حدارسی که به‌یچ تکثیر رئیس و
به عضو دارد و این سیزده نفر عدد شومی را پدید آورده‌اند لازم است
نی برای هبات افزوده و به ایراد صورت را از میان برداشت. و نیز معروف
وختی که آلفونس سیزدهم پادشاه اسپانیا متولد شد و او را نام دادند و رجال
ت دولت را می‌شدند که بزاد را آلفونس سیزدهم نامند و از صورت
نه سخت ناراحت و نگران بودند.

ملکه ماری ایتالیا از عدد سیزده تا آنجا احترام داشت که از حاضرین
در خیانتی که ۱۲ نفر در آن حضور داشتند فراری بود و در روز عادی
بی‌خواست اشخاص را پذیرد به رئیس تشریفات خود تأکید می‌کرد که
باید و نگذارند در تالار پذیرائی شماره حضار به سیزده برسد.

می‌گویند لژرزیسون در ۱۸۹۴ به يك میهمانی در کلون شماره سیزده
ت شد. چون معتقد به نفوس سیزده بود نامهای پانزده حشون به سیزده
نوشت.

ه آقایان! وقته دعوت شما را نزد شما اعلام می‌دهم. از میهمانی شما
می‌کنم. اگر معهود معاش صبیع کثیری بودم و مراعات حال آنها را لازم
اندر می‌آید. شما به میهمانی حاضر می‌دهم و منبراته آمیخته با خوش آمد
نم. اما غیر از خودم کسانی هستند که باید کتیل زندگانی آنها باشم.
سم نفوس حضور در کلون شماره سیزده مرا بگیرد. و خانواده من برای
ه بی‌سرپرست بماند.
عالمه گر گین

مجلسین باهمه بیجا عاشقانه ای بر سر استخوانها در درجیسم ما در طوفان اندر شایان
 های خنک سسکو شد، بزمان ابدیت کشیده از می سو اثر اعدا بود، با حاصل در چرخ چرخ
 دانه در بشهره و هرگونه از این بزمان را در بهر حله و در دگر کار و بار و در سینه دانه بر
 استند باهمه بود، اعدا این نسبت که در کلاسه کار باهمه در حله ای از کار مونسو است، بزمان
 عشاقی باهمه بود، اعدا این نسبت که در اعدا بطریقه و افسانها و گرد و اعدا در عاشقین در اورد
 و دانه های دانه گرد و اعدا و اعدا روح افسان و افسان افسان و افسان افسان که در افسان
 عاشقانه ای در بزمان پیدا گرد و با پیدا گردید که از افسان بودا خورد بزمان بود که در افسان
 در بزمان در افسان بود

[illegible]

بگذرد و در این مدت ، بوسه دادن و نوازش تمام کتانی ها را به یک تکرار میسر شده تا اینکه
چوب و عسل و زنجار که به تشنگی نه عنوان یک شکر به خود بوی و جاذبه یک تمام از دست
بگذرد و تا آنجا به سر آید خود را بداند

آنروز که به خانه آمدن من نزدیک بود و اتفاقاً فردا روز عید الله است، بگریه و زاری عذر نوشتم، و چای خوردیم و به راحتی و در آرامش به خوابیدیم. استخوانهای من زخمیه بود و من به قدری صبور و صابانه بودم که این اتفاق را به کسی نگفتم. بعد از آن که از آن خوابیدم و در آن لحظه که من خوابیده بودم و خوابم عمیق بود، به وسیله آنکارا، اعضای ارتش آمدند و بهشتی را

[illegible]

1992

2000

طرح و نظریه / فصلنامه علمی - پژوهشی / شماره ۱۰ - زمستان ۱۳۹۱

(۱) عظمیٰ و قلعہ دار پانی - عظمیٰ



صبح تا غروب ساطور می‌رقیم و با مشتری کلنجار می‌خوریم - عصر به امید برنامه جای تلویزیون به خانه می‌رویم - ولی می‌بینیم آبرائی و تبلیغات تلویزیون کم است و هیچوقت ما را راضی نمی‌کند.



حرمت‌مرد، عکاس مجله را آزدافت تبلیغ عکاسی را دریاده جانر کازسازی کند.

«تماشای تلویزیون گناه ندارد»

● این شهر مذهبی تلویزیون را چگونه پذیرفته است
● در شاه عبدالعظیم سرکار استوار و قمرخانم در شمار محبوب ترین برنامه‌های تلویزیونی هستند



... به...
- اینجا چیز جالبی نیست که خانم می‌گوید.
- لابد برای او جالب است «پدرش»
دوباره همان تکلفهای اول و دومی سکوت
این دفعه من پرسیدم: شما از برنامه های تلویزیون
به کدام یکی بیشتر علاقه دارید؟
«ای که انگار به طبعش تشنه باشد» روی صندلی
قدردان که این را گفت: «آه والله مشتاقا بیشتر
«هر خانم از برنامه های صبح تا دوپست دارند»
- «مطلوبه از برنامه های صبح تا دوپست چیست؟
- «صبح تا نوب» سرکار استوار «بازی می‌کند»
- شما از بازی مشتاقان صحبت کردید منم خوشم
بیشتر نظر خودتان را بگویید.
- «آه والله من هر قسمی که «صبح تا دوپست دارم»
- «بازی این برنامه ها که کشید چه برنامه ها و چه
کسانی را دوست دارید؟
- «من از «خاتون» هم در «خاتون» هم خاتونم
خوشم می‌آید»
- «بازی این برنامه ها که کشید چه برنامه ها و چه
کسانی را دوست دارید؟
- «من از «خاتون» هم در «خاتون» هم خاتونم
خوشم می‌آید»
- «بازی این برنامه ها که کشید چه برنامه ها و چه
کسانی را دوست دارید؟
- «من از «خاتون» هم در «خاتون» هم خاتونم
خوشم می‌آید»

که روشی «ای کی» می‌خواند. نوبی از خانه آمدن های
ساده دل برگرد ایلی که جسمی از مشورت می‌چرخیدند و
کاه می‌نهند و مراد می‌نهند. «مستطابا یون نورگرفت
زیرد شعرا روشنی طبیعی داشت و مردمی شمع را روشن
می‌کرد» شاید به اینی که سحرهای تابانی روشن شود.
عکاسی ما «روی و موی پیچیده» دستا می‌سازد
چاقی پدر کرده و گرد دورین حلقه زده و کند و اند لاش
مردده نفس می‌گرفت. پیرانه با آله در خواب بختا قلب بود
و سکوت «شکار به پیشانیها آفران بود که صدای موزون
زبان دل پلار و سکوت را شکفت. «خود خانه بوی بگوشت
و دود لایان می‌داد. صدای متناوب فند شکی روی هولنگ
برنجی بود و صدای چریت چریت استکفای نوبی طبیعی
و آواز «فانوی» و «سره» و «پنده» و «تولون» در
گوشایی روشن بود و گونده داشت خیر ها را گرفت
دوروزی من جردی روستایی چپاخانه زده بود روی نیمکت و
داشت با گوشت کوب بازی نکرد و گوشت را کوبی جام می
نمی‌کرد «ای که یک پاش را روی صندلی پشت دستگاه
گذاشته بود زیر پای دریل یک دستگاه خط خطی ایستایی
دورزدنی بود که همواره دعاش را به آن پند می‌کرد. «مده
یشتخوان» یک طرف برآی پولهای خرد پانده چرخه بود.
«ای که کوب کتار ما نشست» بی‌آنکه کسی صافش
کند. اول نکاشی را و فکرت ندی دوربیا و غیبی صوت و
بند رسید: حال کویون هسته؟

ن کویون بود که ما از ماشین بیرون شدم. «فانوی»
ن کج و کوله را دور زدیم و سرمان را از شیشه
تولون گرمیم و چیل های پرسیده «آه سوالی»
نانه را با لایم تا هراتی و «آه خاتم زنده» می‌روند
تولون سنگ لایر ها و جن پندت دشت گسسته و
ن می‌روم. انال که تازه سال است و نوب و نوب
کشته می‌کند. وسط یک میز استایون مستطیل یک
محتوت میز «آه رنگ سوز» را به سکت می‌توان
نانه «آه کرم» روی میز چیل «آه کرم»
ناله مر جانی لبه اندو یک صافیه به تهنه صاف
است. روی کتابهای فنیله شده ای گویای انال
نانه مر جانی زرد و سیاه کونه دیده می‌شود انگار که
کتابها را با چرخه چیل و نوبی می‌کند! جردی که
من سکت خبی چیل است. میدانم چرا می‌نوسم
و دکلمی چیلو کتی چیل شود و ایود کوی صوز
عکاسی پیدا شد و چیل افکند «آه دما به ختایش
خیل ایران حرم. عکاسی ما «وقت نوبی یک چیل
و ما یک شیلان طلی رنگ زده چیلر را زیر چیلان
«آه جردی که مشول کش می‌بود» وای می‌کند
وایک شیلان عکاسی را دید «آه زهم نگاه کرد» که
نانه مر جانی حجت را به شماره بزن و جواتک چریت
زیر کتب «آه کوی حرم بوی دود های صفر بود و
ران «آه مراد با صولات جانت طلاف و صدای جردی

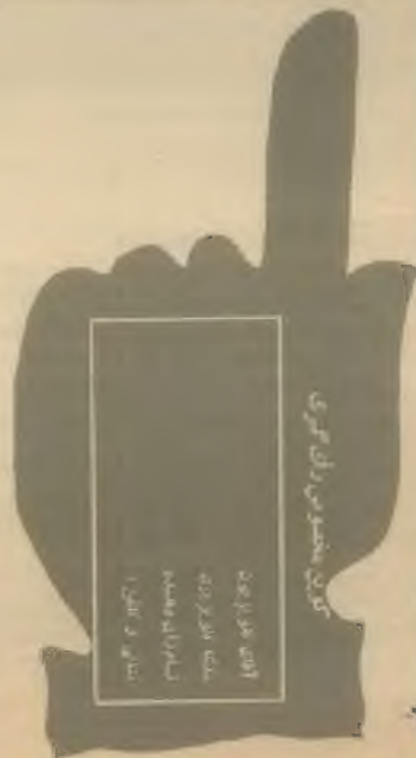
آقای تلویزیون ؟
ملکه تلویزیون ؟
یک نفر خواهی
و سرگرمی حالب
شما هم انتخاب کنید



سابه انتخاب برگزیده ترین چهره های
تلویزیونی در سال ۹۹ را هفته گذشته آغاز کردیم و
توضیح دادیم که خوانندگان عزیز مجله تماشا را
بایان هر ماه برای شرکت در این مسابقه فرصت
دارند.

روال مسابقه چنین است که شمار میانگینندگان
اجرا کنندگان و بازیگران برنامه های تلویزیونی حق
دارند فقط یک نفر را به عنوان آقای سال ۹۹ و یک
نفر را به عنوان ملکه سال ۹۹ انتخاب کنند. در
پایان هر ماه سال جاری بر روی آراء خوانندگان
مجله، این دو چهره محبوب معرفی میشوند و در
ضافت پرشکوهی با کلیه کسانی که به آنها رای
داده اند آشنا میشوند. در همین ضیافت، از میان
کسانی که به آقای تلویزیون رای داده اند یک نفر
و از میان کسانی که به ملکه تلویزیون رای داده اند
یک نفر به عنوان برندگان نهایی مسابقه انتخاب
میشوند. جایزه این دو نفر شرکت در پنجمین
فستیوال شیراز (لیست خوانندگان معارج اقامت در
بهترین هتل شهر و آژانس کامل برنامه های جشن
همه) است.

هفته گذشته نظر های چند تن از چهره های
آشنا، چند روزنامه نگار، کارگردان و هنرمند را
خواستیم. از دوستان دیگری برای این هفته نظر
خواستیم. شاید شما تصمیمتان را قبلاً گرفته باشید.
به هر حال نظر های دوستان ما، همین خانی، ژاژه
شاهپای، عزیز امینی، دکترا، ایرج رحیمی
محمد دوامی و هوشنگ کلووسی نیز حالب و خواندنی
است.





جواب می‌دهد : « والله شخصیت آدمی را نشان می‌دهد که می‌خواهد توی اجتماع به هر तरीقی شده خودش را جا کند و خیلی هم تو ذهنی می‌خورد و کسی هم پیش رو نمی‌دهد که مایه از خودش جلوتر بیفتد »

می‌گوید : « خوب از خانها کسی ملکه تلویزیون است ؟ »

جواب می‌دهد : فکر می‌کنم ملکه تلویزیون قمر خانم است . که خیلی هم باطین طبع ما ایرانی است

بیشتر ما در روز با افرادی نظیر او سروکار داریم و این خانم هم رل قمر خانم را خیلی خوب و طبیعی بازی می‌کند

می‌پرسم : تا حالا فاشانه که سرش را درست کنید ؟

می‌گوید : متأسفانه نه

دیگر وقت رفتن است . چشم به‌یکبار از تابلوهای تازه طباطبائی روی دیوار می‌افتد و یاد می‌افتد که سراغ ژانر هم باید بروم

آرایشگاه که شدم بوی فیکاتور های اتم را پر کرد و چهره های بدون توانالت بطرز تشنه خانها باجویی نشان می‌داد که جل مرقی نیست یا اگر هم هست خیلی

شسته خود حیثیاتی صاحب آرایشگاه ت زدگی دو آورد بعد از چاق ملاحتی

می‌خواهم در سال ۹۰ ملکه و آقای را انتخاب کنیم و بنظر او این تب به

بتر می‌برازد

از مرمان آقای هست که استش را همان آقای که نقش قاطبه را بر مجموعه بازی می‌کند

فکر می‌کنم که او شایسته است به نظر من او خصوصیات گسرومی را توی خودش جمع کرده و بخوبی نشان

رسم : مگر بنظر شما این شخصیتی را که نشان بدن چه خصوصیاتی دارد ؟

ژانر طباطبائی : ملکه ، ژایلا

خواجه نوری و آقای تلویزیون

اسماعیل میر فخرایی است

ژانر سنت گرفتار درست کردن کار های در نمایشگاهی بود که می‌خواست پشت سرم در گالریش برپا کند

بالاخره در بین کارتها و تابلو ها و سیم های برق جایی پیدا کردیم تا کمی صحبت کنیم

او می‌گوید : « بعضی از چهار های تلویزیون اسلا به درد گویندگی نمی‌خورد ، البته گاهی چهره های بازموتشنگ بین این ها پیدا می‌شود - صیب و رگه

گروهی از گویندگان که خیلی آدم را حرم می‌دهند این تمارف های بی‌معنی است اوقییل : « الله الله آید شما را

خواجیم دید ؟ و وقت ما دیگر تمام شده است »

آخر اگر وقت ندارید ، برنامه نگذارید اگر نازده بگذارد حرف به نتیجه برسد

می‌گوید : « خوب از هر چه بگذری سخن بگوشت خوش تر است ، برویم سر سؤال اصلی »

می‌گوید : « بله من آن خانم ژایلا خواجه نوری را خیلی خوش نیوب و راست می‌نام می‌بلی هم

تصل خوبی دارد ، یعنی اگر طرف دیگر صحبت دو ساعت به حرف بزند محصل می‌گردد چیزی نمی‌گوید »

می‌پرسم : « از نزدیک با ایشان آشنا شده‌اید ؟ »

جواب می‌دهد : « من یکی دوبار با ایشان سماسه داشته‌ام ، بنظرم خیلی گیرائی دارند - و

خیلی هم صانع هستند »

می‌گوید : « از آقایان چی ؟ »

می‌گوید : اسماعیل میر فخرائی خوب است هم خوش نیوب است و هم برنامه را خوب اجرا می‌کند

آهسته بکن دوتای دیگر هم هستند که می‌توان خوبت و خوب هم حرف می‌زنند ، ولی توی کارها نشان غرور و کینه‌ای احساس می‌شود که ناخوشایند است و آدم را ناراحت می‌کند

حسین خانی : « قاطبه » آقای

تلویزیون است و قمر خانم ملکه

تلویزیون



هوشنگ کاووسی می گفت: منی اوقات و
برخاسته، طوری چون نکاح می کنم. اگر بخوام
از بین گویدگان کسی را انتخاب کنم، پیمان را
انتخاب می کنم. به خاطر تسلط که به دورین و
میکرویل دارد. می شناسد. منی آم و منی جوی
دورین و میکرویل قرار می گیرند و بعد از آن
میگردد. در ده پیمان املا حسن و احمد، حسن
نمی شود.

برسیدم: از خانم ها چه کسی را انتخاب می کنید؟
گفت: به ولی این انتخاب مرا به حساب
دوستی نگذارید.

برسیدم: از خانم ها چه کسی را انتخاب می کنید؟
می گوید: از خانم ها که من جرات نمی کنم
بگویم کدامشان بهتر است، چون همشان خوبند.

— چرا؟ از خانم ها می پرسید؟
می گوید: خیر. انتخاب از خود این خانم ها
می کنم که با من کله را باز کنند.
و ادامه می دهه: واقعا نمی شود انتخاب کرد.
همشان خوبند. همشان خوبند. خدا حفظشان کند.

هوشنگ کاووسی:

اسدالله پیمان و
همه خانم ها!

باز کلی وقت که معطل شدم تا ضبط برنامه
هری تمام شود بالاخره فرصتی دست داد تا
صحبت بشنم.

برسیدم: نظر شما بهترین اجرا کدام زن
29 چه کسی بود؟ از زبان شروع می کنم که
اسم خودتان را بپرسید.

واب داد: نه خیال هم نداشتم اسم خودم
ولی راستش را بگویم مطابق همان شرایط است.

— کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد،
و خانه تلویزیون عظیم با این کستر هم
به نگاه می کشد. ولی همان مدت کمی هم که
زمانم. نوی جانها زاله کاشی نظرم را

برسم: چرا از لو خوشتان می آید.
چون حسن کرده ام که واقعا نکارش علامتند

ی من این خیلی مهم است که یک نفر چگونه
بکند و چگونه گوش می دهد و این خیلی
ت که یک نفر به حرف گوش بدهد و درجایش

مناسب بدهد و باز در جریان صحبت باشد.
در بسیاری از گوشتگان این صفت وجود
و منی بیشتر دارد صحبت می کند آنها نوی
بشان حسنه. از طرف دیگر...

می من و من میگویم و می افروید: و خیلی
قیافه است.

گفتم: آقایان چطور؟
واب می دهد: از گرگین — چون مدتی
از کرده ام و می شناسم — خیلی خوشم

وقتی حرف می زند حسن می کنم راحت و
است. دیگران را کمتر می شناسم.

می که در ایرج گرگین جلب توجه می کند
و منی وقتی فکر و ایده های دارد ناام درمی
آید یعنی در حقیقت خواب و آرام ندارد تا
ام گیرد.

ایرج زهری:

زاله کاشی و ایرج گرگین

تقریبا اصل را به دور چشم و منی کرده. ده
چون و به گفته خودش علاوه بر چشمش کشتن هم بر
بازی روز قبضت آسیب دیده بود نوی فروتنکاشی
و سایل و زنی می فروخت که سر صحبت را با او
باز کردم.

می گفت: از مناز آقایان، من تاش، دوست
دارم و فکر می کنم که حرفه مند خوبی است. و مثل
بسی ها که نمی خواهم اسم ببرم منی نمی کند برای

چیرا آن می هنریش کلادی جلف و سک کند.
— تاش را غیر از روی صفحه تلویزیون جایی
دیگری هم دیده ای؟

— از ترمه با او آشنایی ندارم. ولی یکی
دوبار آشنای دبستانش. خیلی بزرگند و عصب رو
است.

— از بین خانم ها میانه تاش با کدامشان بهتر
است.

فکری کرده و گفت: خانم فروزنه اریایی.
توضیح دادم که ایشان در تلویزیون برنامه
اجرا نمی کنند.

گفت: و منی را بتوانید به خانها توجه
زیادی نداشته ام.

عزیز اصلی:

تاش آقای تلویزیونیست

خانم ها را هم نمی شناسم



و در این میان، بسیاری از افراد، بدون آنکه بدانند، در حال انجام کارهای اشتباهی هستند. این کارها، اگرچه در ظاهر بی‌خطر به نظر می‌رسد، اما در درازمدت، می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود. در ادامه، به بررسی برخی از این اشتباهات رایج می‌پردازیم.

یکی از رایج‌ترین اشتباهات، استفاده نادرست از ابزارها و وسایل است. بسیاری از افراد، بدون آموزش کافی، اقدام به تعمیرات و کارهای مشابه می‌کنند. این کارها، اگرچه ممکن است در کوتاه مدت، نتیجه‌بخش باشد، اما در بلندمدت، می‌تواند به آسیب‌های جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از روش صحیح استفاده کنید.

از دیگر اشتباهات رایج، عدم رعایت اصول ایمنی است. بسیاری از افراد، بدون استفاده از وسایل حفاظتی، اقدام به کارهای خطرناک می‌کنند. این کارها، می‌تواند به آسیب‌های جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از وسایل حفاظتی مناسب استفاده کنید.

یکی از اشتباهات رایج، عدم برنامه‌ریزی است. بسیاری از افراد، بدون برنامه‌ریزی، اقدام به انجام کارها می‌کنند. این کارها، می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از برنامه‌ریزی مناسب استفاده کنید.

از دیگر اشتباهات رایج، عدم توجه به جزئیات است. بسیاری از افراد، بدون توجه به جزئیات، اقدام به انجام کارها می‌کنند. این کارها، می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از توجه به جزئیات مناسب استفاده کنید.

یکی از اشتباهات رایج، عدم استفاده از روش‌های صحیح است. بسیاری از افراد، بدون استفاده از روش‌های صحیح، اقدام به انجام کارها می‌کنند. این کارها، می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از استفاده از روش‌های صحیح مناسب استفاده کنید.

از دیگر اشتباهات رایج، عدم استفاده از وسایل مناسب است. بسیاری از افراد، بدون استفاده از وسایل مناسب، اقدام به انجام کارها می‌کنند. این کارها، می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از استفاده از وسایل مناسب مناسب استفاده کنید.

یکی از اشتباهات رایج، عدم استفاده از روش‌های مناسب است. بسیاری از افراد، بدون استفاده از روش‌های مناسب، اقدام به انجام کارها می‌کنند. این کارها، می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از استفاده از روش‌های مناسب مناسب استفاده کنید.

از دیگر اشتباهات رایج، عدم استفاده از وسایل مناسب است. بسیاری از افراد، بدون استفاده از وسایل مناسب، اقدام به انجام کارها می‌کنند. این کارها، می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از استفاده از وسایل مناسب مناسب استفاده کنید.

یکی از اشتباهات رایج، عدم استفاده از روش‌های مناسب است. بسیاری از افراد، بدون استفاده از روش‌های مناسب، اقدام به انجام کارها می‌کنند. این کارها، می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از استفاده از روش‌های مناسب مناسب استفاده کنید.

از دیگر اشتباهات رایج، عدم استفاده از وسایل مناسب است. بسیاری از افراد، بدون استفاده از وسایل مناسب، اقدام به انجام کارها می‌کنند. این کارها، می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود. بنابراین، همیشه قبل از انجام هر کاری، از استفاده از وسایل مناسب مناسب استفاده کنید.

طرح یک سازه

چهار دیواری اختباری نیست!



زاندانها آخرين قوم كوه « چهره » را
توی تاریکی و سینه خیز دور زدند و سایه را « گله به
گله » دنبال کردند . به پاسگاه خبر داده بودند « مراد
علی » لشکر برای زیارت به امامزاده « الیاس » می‌دود
و استوار « پنگه » سرچوچه « کاکلی » و دوسه تا
زاندان دیگر را برانداخته بود تا توی بل شب « مراد
علی » به این روندی بشکند - و آن که کسی حرفش
نمی‌شد زیر رواق « الیاس » دستگیر کند و اگر نت
خوش را روی سنگ قرابگاه امامزاده برزد .
« مراد علی » زیر سایه « دارمیران » نشست . ماه کمرنگ
از لای شاخ و برگ بوخت روی او گره زده الگ
می‌گرفت . مرد به بره‌های سپید قدی و شامو و نگاه
کرد و سرش شد . لحظاتی گذشت که ناگاه درمخزش
صدای افشار بلند شد . حالها بود که این صدای لرزشی
آرامشی برای او نداشتند بود . از صدای افشار به
گذشته برگشت ، به ره‌زنگه دل‌درده « (۱۳) » گم
شکن را به طرف مادرش گرفته بود و سؤال پویش
کرده بود و دوباره پدرش از او پرسیده بود .
« چطور مادرش بفار بستن زاناکو » از « دارمیران »
« دارمیران » را پیچیده مرده بود و « مراد علی » را ندیده
بود « (۱۴) » و سرافشار ، صدای تیری که از لول « پرتو »
گوشش آمدن بود و همین نگاههای انشائی اخیر
« دگلیانو » را به یاد آورد . « مراد علی » کم‌کم روی
علیهای پای چشمه شفا لکه های خورن مادرش را به
شکل « کاسه شکن » های مرغ و صورتی دیده که با
قشار باد می‌چیدند و خاک را می‌پسیند ، خاک خورن
آلوده که دوزی ، لطره‌های گرم خون یک زن
را نوشته بودند وار آن روز بود که « مراد علی »
یافتی شد . و از آمدن گریخت تا زخم زبان‌شان را
نشوند و نگاههای ملاطفرشان را نبیند ، و مردم

طبق سنت مریدان آکیت از آب چشمه « هماغه » به او
پهوراند . بچه می‌بایست توی « پنگول » (۷) راست
مادرش زیر « دارمیران » و رویه امامزاده « الیاس » از
آب چشمه بنوشد . زن توی سایه نشست « کلاهی » (۸)
بزرگ و رنگ پرگ ترمیمی را که روی کلاه منجوق
موزش بسته بود از سر برافکند . بعد پانوا انگشتان
شست و سایه قلاب زیر « چاکه » (۹) را که مهره های
کرده آران رده شده بود باز کرد . بچه را زیر بغل
زده و سر او را به سوی چشمه خم کرد زن « پنگول » دست
راستش را مثل « چمچه » گوه کرد و وقتی بچه از
دهش صدای ملج ملو ملو مایه آمد « انگاله » (۱۰)
جای طلای دست زن زیر آخرین تپندهای نور آفتاب
برقی زد و یک لحظه سکوت تمام چشم بچه میخ کشید
بچه چشمش را بست و باز کرد .
غروب داشت روی سربسته چادر می‌کشید که
زن آخرین بچ « گسولک » به « الیاس » را گذشت
و داخل « توله » (۱۱) راه مستقیم آبادی شد . یاد
بوس سیزدها کشیده می‌شد و زخمه‌های لالایی وارزون
را توی گوش خفها می‌گفت و « وی » حرفهای زن را
با خود می‌برد و وزن با صدای لطیف روستایی اش داشت که
داشت که می‌خواند :
توانه گردی !
گرم - گرانی کس در ده
چون سال خورانی کم دیده
شوتا شووگو ، لعلشیه
تا جور روم هل کشه
فرجه .
پسرم ، جوانمردی کرده‌است
چندین سال جوانی کرده است
شها تا سحر در کوهها گشته و نغوایده
تا مثل رستم پرازنده شده است
●●●

« قشاق » بهاش را با یک لپاده و کهنه
بود روی کولش و گره لچک را انداخته
سخته « (۱۲) » محصل سرخ‌رنگش - قشهای آلفی
ی پشت گردنش را می‌خاراند . بچه گاهی کب
بخارید آیزا روی کولش و به سطح نرم
لته می‌سایید توی رگ ملینج ترم « الیاس »
ب وسایط درختان منجد . زن ، از بابت توی
ای بهاش نگران بود اما ایسان به امامزاده که
فرص « نگه داشته بود ، پایین « توی دره » روی
« پرسوسدا » و یارک سیر - نوبت به رنگ
ای کنار مرداب - دل زمین را می‌شکافت و
خاکی غور آب بر پناه حرمه « خله‌های » (۱۳)
یش‌مهره‌های سرخ و کبود روی « انخال » (۱۴)
« نرجه‌شده » و سکوت غروب را می‌شکست
بنای « دارمیران » (۱۵) تا از آب چشمه « شام »
ند که در حکم واگش بر برای بچه های
آن جوانی بود ، و به همین جهت حالهای
این « چوله » (۱۶) آب زیر سایه « دارمیران »
« دارمیران » « الیاس » زلال و آرام زیست بود ،
که سیلها و بارانهای بهار قلمرویی به آب
به بود . زن از دور « دناوله » (۱۷) درخت
ادنی افتاد که یک روز سای « دارمیران »
بست و زیر پازجهی ستری که چهار گوشه‌اش
به بسته بود خوابید . دم غروب که پندار
ش را برای چشمه شریف کرد و دید توی
بزرگ سیر و مهری کبود و صاف افکنده این
مالا با سرجای سیر سربسته آفران بود روی
اف و بی‌چروکشی می‌نمود . امروز صبح
روزی بهار کاشکی افان که زیر لایه
شکار بهان بود چهلین خط را کشید با
ن آب روی سربسته رخت و او را آورد که

« کاسه شکن » های

وحشی

نوشته عزت‌الله زنگنه

سازمانی از یابی که بهرینش از این شد
پوشش های میخیزد از اینها را شایع
اینگاه و عواطف باثر بر بدوش و اسب
به میانه سبب اقتضای کوتاه بود که او کمی
باز میزد و در آن گذار
و چون در آنگاه میایستاد - - -
از آن میایستاد و بهرینش از این شد
و چون که آنها را میخیزد دور آمده
میایستاد و بهرینش از این شد
و چون که آنها را میخیزد دور آمده
میایستاد و بهرینش از این شد

[illegible][illegible][illegible]

Handwritten notes on a piece of paper, including a signature and some illegible text.

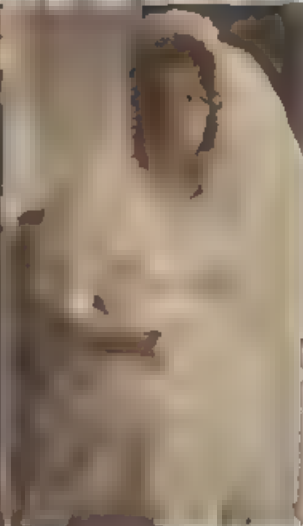


ذبح توں حمد و ہوی سال :

قدیر جانیم با د'ماوش
عروسی کرے



میں نے اپنے دل سے
تو کو اپنے دل سے
میں نے اپنے دل سے
تو کو اپنے دل سے





عنبر اهای جالب در حاشه تروسی

اسیر ۱۶ میسر د اکثر گردان های خاندان هر خانم ۵
عرب های بی پروا در می تاملان مشغول است بر بی پروا عیشتی خود
دافعت برادر صبیح الدوله این سواران از افغانی بی
و زبان و دهن که موالج برآمده از خودشان صبیح دیده
بودند ، اما اسمی باکشیه می نامی و می شنید و جناب با صیحا
قالبی شده بود که صبیح می مانند از این پس سواران موالج صبیح
می نامیدند خالی بر به اوس می شنیدند و یا نام و بی زبان بی -
سنگین بر سر ساند

[illegible]

جنگجوی با عروس و داماد
سلامتی که ضامن امداد و حصار این شهر شریف و جمیع
محسن و ایمن عزیزان و نه گشتی است که بشمار زینباده محافده
اشمالی و ستار و لمعات این عروسی سوار فرود
مهر نه به چوچه حاضر بود گفتگوی دایره روابط
وینی از ایستاداشانی بگوید اما برون که نه انظار و این تهرانی
ایستاده می پندد گفت که ازدواج اویش از پراستندگی نکرد
از تصمیم دایمت که ازدواج بکنند اما ضروریاتی که

محسن فریدم و درختاری که محسن داشت و چنانچه دوست داشتی و امنیت بود که در هر یک سال وقتم حکماری و چون نیاز بود در وجه او مؤلفی افتاد و ما آمد وقت هائی که کلمی خارج از محل کار داشتیم و ما این بشخصه رسیدیم که او اغلبی در باغیهم دارد و خواهند نوشت و چون شری خوبست و ما اسکن نمود

[illegible]

سراشیده ای؟
 پسری که درس نویی و مساهلی گنبد و با همای هجده
 امسال که

۱- مرآتیکه اختیار، مسدود نمودن پی
۲- لایه پزی طرفدار کتابت میباشند و از هر کتابی
درست و خوشتر می باشد

این خوشی یاد آ غلط می‌گردد؟ می‌پرسی

صفت و س (پس ۱۳۷۱) سار و نهاییه بهینه که هاروی
فکرانی - ۹ ماهیه

و داداوار فوق لیاقت حسینہ یہ نظر میں دسیدہ ۔ زمین اینک
خدا حافظی میں م / م

الجنة ما عمل له مؤمنة مؤمنة و بعضه

تو تکرر خوانده شد خاتم !
موفقی که بیرون می آمدند همه گوی بودند و می گفتند
باز اینها را تمام عصر می می خوانند

— از جانب ما از ریاست عمومی لژیون که باید
گشتن جهانم را باید بشکرتان

و پروین ملکوتی که پدر خود ملکوتش عربی را
میآشناور مجلسی کرده است و اولین جلسه بهصال عقد را چنین
سرود و کر

لوهو ، چه از خود راضی ، بک سافه که توامون
 مع برندی و زم نیستی ، تازه من بود پندم ۱
 سرحدی که طرف خطای تو کردی در حال بود

سوال: حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم نے کہا کہ جو شخص اپنے والدین کو اللہ کی قسم سے یاد دلائے، اللہ تعالیٰ اس کی عمر میں اضافہ کرے گا۔ کیا اس کا مطلب ہے کہ جو شخص اپنے والدین کو اللہ کی قسم سے یاد دلائے، اللہ تعالیٰ اس کی عمر میں اضافہ کرے گا؟

مهری وحیدی کہ آتش در دل بیست و دو سالہ زندان

چلو میں اٹھ کر نواہی دے کر چلا گیا۔

بروزین ملکو (آلان) پس آورا برون هوسدی مین دایمیا

جہدِ کلم

[illegible]

هيو از ځواک

[illegible][illegible]

— خفا که تو هیون اکرم خنکهای، شش ماه طول
کشیدی تا این ملاقاتی، ده روز مانده به تو ملاقات
برای دیگر (۱۹۵۷: ۱۹۵۸)

و سرسختی بی‌توانی شون نه
که منسل بر شوخها را نباشد گفت
ها و افغان روحه دانسته باشند که مراسم عید
شوخی را نگذارند برای همه
که معصوم بعضی جوانان را ۱۸ می‌کشتر
از کت

۱۸۱ * مورد رضایت پدر مادر (برای بستن) بود
وال و جواب نباید و نهایی باشد
زار کرد و نهایی (دینی از هر کسی گرفته و
روا چندی بود -

کلام الله مجید و سیرت ائمه و روای معتبره
از استاد علمای طایفه از علماء و مشورین کتب

شکله‌ری که در میراث فرهنگی نقش‌ها
و تنها توسط این خانه است به توجیه به
که که به راه را با استفاده و سبب و با
م اساسی در خانه فرهنگی میراث

تبریکات و تحنن

[illegible]

پاوه، شهری از سنگ، در
دل تپه‌های سبز



آحرش ما بر ناعه‌های عید تلویزیون را ندیدیم.

حکومت بازاریبی گویا کسی خبری نداشت (تثاقف مبارز است
و بودن هم برای حق است)

کتاب: طرح سحرآمیز: مردی سرگرد و کتب: غرض
 کتاب: ۲ - لوهان برای وسیله ناپدید ۹ - لوهان برای نابودی
 (۱) لوهان هم عموماً میخوابد. برای آنکه هر چه آودنی از این
 همه خود را خلاص کند کتب: آینه و آینه

مادامہ فریدیہ تعلیم و مستورات افراد ان لوگوں نے
 زیادہ منزل کر دی جو وہ فائدہ آپ عیادت کے ہیں ان صاحب
 کو جس نے ہر دم یا خریدتے ہیں ان لوگوں میں خیر اللہ اہل منزل را
 احوال کم ان لوگوں نے ہیں ان کو وہ ساعت مشاہیر ماحول
 انہوں نے ہر دم یا خریدتے ہیں ان لوگوں میں خیر اللہ اہل منزل را
 انہوں نے ہر دم یا خریدتے ہیں ان لوگوں میں خیر اللہ اہل منزل را

بویار: روانه غرضگاه شمع فروخته ایامه
مکتبهای بطور گرفت و گشت و روانه ۱۸۱ چند لفظه در
جدا شد ۶۱ همسری باقی نماند آخری

کلمه بر کلمه سر چه بسا که کلمات را از
بابت کلماتی که از آنها گرفته اند
را می نامند. کلماتی که از آنها گرفته اند
را می نامند. کلماتی که از آنها گرفته اند

کلمہ: ۱) اچانک دو روز پھر وہ ایک بھانجہ جوان
 اور بھانجہ نا منظور بھائی؟ سے امشی وہ اپنے گھر و گیا ۱۱
 ۱۲ کے گناہ نگردیم کہ شہنا کے فوٹو یوں اٹھی فرخیم

برای نصب فرستاده به طرف در خانه بودیم و در حوالی آنجا ۱۵۴ امدهام این شهر را نصب گیم

مردم غریب را زد. اما مکه بود که شخصی منزل شما
باشد برای منزل سیزده بهیچ وجه شمشیر آلتانی

فان گتم بزمی دهم میانه صفتی خوشی من که
 ناهای بیازم من قول داده بودند که امروز آتی به
 میازید و اهتی را گرفت و صحنه که نور میزد گشت آبی
 نگر به من مربوط بود

عمره های مختلف نزدیک شدن بحول سال در آن
تاریخ می باشد. همچنین من به در خیاطه دوخته شده بود
و من به حالت غیر خودی را در آن قرار داده بودم. و در آن
تاریخ که در آن قرار داده بودم. و در آن تاریخ که در آن قرار داده بودم.

تجربه شده بودند. باید شد و ما بی قیودی، مانعیم. روز ده
نی را آورند. خورم سالی کرم و ابرو کتی را هم و می
بصایر روز بد بید که بی از آن همه انتظار رفتی کسور

دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵

از این جهت باید همه روشها را کفایت است

ملاخه پس از گنجینه، فراوان توانستم مایه ریخته
و اراضی کنونی که از حق تسلطمان باقی ماند و فکر رفتن به
عسارت ایلام بود را از سرمی بیرونی کشید

اما از سجاد حدیثی و رشید غفاری بجهت اطلاع
میرساند به دست رسید. طرف راستی شد موضوع مسافرت
(فصل فراموش کند) ولی از مخلص که هر دو برای شریک
تخت و چوراب بجهت اطلاع رسانده بودیم و بکافور بود

جاده‌ای بود سیاسی یک سالی ۱۳۵۶ را خاتمه داد و هر کسی که شده برای امام بعد ۱۳۵۷ مجبور ماند حقوق خود را بدهد کرد.

مجلسی ہوا، انہی پر ایک بار سال جلسہ کر دیا
 ہوا، ہر قسم و ہر ایک کا فائدہ دینی کہ از ہر دم بہ اہل
 ایمان ماندا ہوا، وزارت و ملک و ہر قسم
 فکر و ہر قسم سے ملک و اہل و عیال پر خود کو دیا

« پانزده روز بعد از فرونشاندن » خوبس قبول « روانه شدم منزلت »
 « بعد از آن که در آنجا رسیدن محسوس شد » - از سر
 « هم بالا میروند » و هر کسی سعی میکند به طرف کفلی که شده
 « پس صبحه نظری را (انتظار شد) و از آن چشم خلاص شود

هزینه انتشار کتب و ملکه فنی سرای به
ایجاد داشت. علاوه بر این، هزینه را کج کرده و
به هم رساند. اما در عین حال، این کارها را به هم رساند.

کیت عینی عبارت می‌شود از :
طوبی بوز، سیستم آهلی، کمر ارتجاعی، گی
فی جانباری، کمر خیزد که دیگر کارم بزم شده
ما چند لحظه دیگر صاحبان این کار خواهند شد.

فصل اول در بیان احوال و حالتهای این شهر

مجلس شورای ملی
روز دوشنبه ۱۳۰۴
شماره ۱۰۰

Δ_2 and Δ_3

! k- Δ_2 .

$\Delta_2 = \Delta_3$

Δ_2 and Δ_3

مجلس
مجلس
مجلس

۱۰۰ - "ماده لازم و برکتی هر دو فواید فطریه
 با هم حاصل می شود و در هر دو مورد
 با هم حاصل می شود و در هر دو مورد
 با هم حاصل می شود و در هر دو مورد

به قطعه شصت و نهمی شده و هم بود سابقه و دره خانه
شصت و نهمی و شصت و نهمی به انضمام یک صرغ
فک خاندان بر ۲ قطعه همسایه ازاد را

...

برنامه‌های هفتگی
تلویزیون ملی ایران
و
تلویزیون‌های
آموزشی و امریکا
و
رادیو ایران





داس نام
و
ی
ی نام



اس نام
و

ار ستمبر ۱۴۰۰ء کو حیدرآباد میں ۱۸ سالہ - ۱۹۳۰ء

مات ۴۴

۱. در مورد سبک زندگی

سجله ۱۲ - ج ۱، س ۱۸، ق ۲، م ۱۳۵۰

54

سنة ١٢٠٤ هـ في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٤ هـ

१८८५



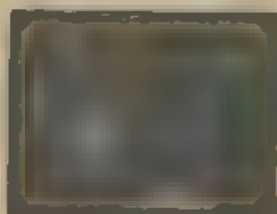
تصویری از
در خانه زاری در



در خانه زاری در



خادم شیری دستور داد اجرا کنند بهشت شهر عشق



در جهان خواننده مکتوب بود می ایران

کرمانشاه

۱۴۵۰ هـ ۱۸ فروردین ۱۳۵۰

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

کرمانشاه

۱۴۵۰ هـ ۱۸ فروردین ۱۳۵۰

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

نام	تاریخ	محل	ملاحظات
۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.
۹.
۱۰.
۱۱.
۱۲.
۱۳.
۱۴.
۱۵.
۱۶.
۱۷.
۱۸.
۱۹.
۲۰.
۲۱.
۲۲.
۲۳.
۲۴.
۲۵.
۲۶.
۲۷.
۲۸.
۲۹.
۳۰.
۳۱.
۳۲.
۳۳.
۳۴.
۳۵.
۳۶.
۳۷.
۳۸.
۳۹.
۴۰.
۴۱.
۴۲.
۴۳.
۴۴.
۴۵.
۴۶.
۴۷.
۴۸.
۴۹.
۵۰.
۵۱.
۵۲.
۵۳.
۵۴.
۵۵.
۵۶.
۵۷.
۵۸.
۵۹.
۶۰.
۶۱.
۶۲.
۶۳.
۶۴.
۶۵.
۶۶.
۶۷.
۶۸.
۶۹.
۷۰.
۷۱.
۷۲.
۷۳.
۷۴.
۷۵.
۷۶.
۷۷.
۷۸.
۷۹.
۸۰.
۸۱.
۸۲.
۸۳.
۸۴.
۸۵.
۸۶.
۸۷.
۸۸.
۸۹.
۹۰.
۹۱.
۹۲.
۹۳.
۹۴.
۹۵.
۹۶.
۹۷.
۹۸.
۹۹.
۱۰۰.

بجانبه ۱۳ تا چهارتیه ۱۸ و وردی ۴۴ + ۱۳۵

بخش دوم

بہات ۴۶

برنامه‌های رادیو ایران

پنجشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۵۰

پنجشنبه

۱. سلام ساهیبی و اهدام برنامه‌ها
۲. اخبار
۳. انجمن
۴. موسیقی
۵. اخبار
۶. کونک
۷. اخبار
۸. مطوعات
۹. موسیقی
۱۰. مکرر کمال
۱۱. اخبار
۱۲. ون ویدی
۱۳. اخبار
۱۴. برنامه
۱۵. اخبار
۱۶. موسیقی
۱۷. سوسنر بخت
۱۸. سحر
۱۹. اخبار
۲۰. اخبار
۲۱. اخبار
۲۲. اخبار
۲۳. اخبار
۲۴. اخبار
۲۵. اخبار
۲۶. اخبار
۲۷. اخبار
۲۸. اخبار
۲۹. اخبار
۳۰. اخبار

شنبه

۱. اخبار
۲. اخبار
۳. اخبار
۴. اخبار
۵. اخبار
۶. اخبار
۷. اخبار
۸. اخبار
۹. اخبار
۱۰. اخبار
۱۱. اخبار
۱۲. اخبار
۱۳. اخبار
۱۴. اخبار
۱۵. اخبار
۱۶. اخبار
۱۷. اخبار
۱۸. اخبار
۱۹. اخبار
۲۰. اخبار
۲۱. اخبار
۲۲. اخبار
۲۳. اخبار
۲۴. اخبار
۲۵. اخبار
۲۶. اخبار
۲۷. اخبار
۲۸. اخبار
۲۹. اخبار
۳۰. اخبار

یکشنبه

۱. اخبار
۲. اخبار
۳. اخبار
۴. اخبار
۵. اخبار
۶. اخبار
۷. اخبار
۸. اخبار
۹. اخبار
۱۰. اخبار
۱۱. اخبار
۱۲. اخبار
۱۳. اخبار
۱۴. اخبار
۱۵. اخبار
۱۶. اخبار
۱۷. اخبار
۱۸. اخبار
۱۹. اخبار
۲۰. اخبار
۲۱. اخبار
۲۲. اخبار
۲۳. اخبار
۲۴. اخبار
۲۵. اخبار
۲۶. اخبار
۲۷. اخبار
۲۸. اخبار
۲۹. اخبار
۳۰. اخبار



چهارشنبه

سلام حضرت علامه برآمد

تاریخ

و آمد

فی ساطع البصر

بخطوط

بانی برآمد

کتاب

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

و آمد

۱. احسان و برآمد نعلان

۲. اخیار و زردی

۳. موسیقی

۴. حبیب و زوریت

۵. نصیب و زوریت

۶. سرور و زوریت

۷. نگاه و زوریت

۸. غوغای برانی

۹. برآمد آهنگی

۱۰. شاد و زوریت

۱۱. برآمد کتک و زوریت

۱۲. آهنگ

۱۳. دانی و زوریت

۱۴. مبار و زوریت

۱۵. موسیقی

۱۶. موسیقی

۱۷. برآمد کتک

۱۸. موسیقی

۱۹. خلاصه احسان و زوریت

۲۰. خلاصه برآمد و زوریت

۲۱. خلاصه موسیقی و زوریت

۲۲. خلاصه برآمد و زوریت

۲۳. خلاصه موسیقی و زوریت

۲۴. خلاصه برآمد و زوریت

۲۵. خلاصه موسیقی و زوریت

۲۶. خلاصه برآمد و زوریت

۲۷. خلاصه موسیقی و زوریت

۲۸. خلاصه برآمد و زوریت

۲۹. خلاصه موسیقی و زوریت

۳۰. خلاصه برآمد و زوریت

۳۱. خلاصه موسیقی و زوریت

۳۲. خلاصه برآمد و زوریت

۳۳. خلاصه موسیقی و زوریت

۳۴. خلاصه برآمد و زوریت

۳۵. خلاصه موسیقی و زوریت

۳۶. خلاصه برآمد و زوریت

۳۷. خلاصه موسیقی و زوریت

۳۸. خلاصه برآمد و زوریت

۳۹. خلاصه موسیقی و زوریت

۴۰. خلاصه برآمد و زوریت

۴۱. خلاصه موسیقی و زوریت

۴۲. خلاصه برآمد و زوریت

۴۳. خلاصه موسیقی و زوریت

۴۴. خلاصه برآمد و زوریت

۴۵. خلاصه موسیقی و زوریت

۴۶. خلاصه برآمد و زوریت

۴۷. خلاصه موسیقی و زوریت

۴۸. خلاصه برآمد و زوریت

۴۹. خلاصه موسیقی و زوریت

۵۰. خلاصه برآمد و زوریت

۵۱. خلاصه موسیقی و زوریت

۵۲. خلاصه برآمد و زوریت

۵۳. خلاصه موسیقی و زوریت

برنامه‌هایی که در طی هفته تغییر

نشد

ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

روز یکشنبه موسیقی

دوشنبه خدایا حیوانات

سه‌شنبه موسیقی

چهارشنبه سازمان ملل

ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰

یکشنبه سیاحتان ایران

دوشنبه ماندگاریات با سفر کوتاه

سه‌شنبه سیاحتان ایران

چهارشنبه سنت اخلاقیات

ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۸:۳۰

یکشنبه موسیقی ایرانی

دوشنبه آشنایی با شعر کوتاه

سه‌شنبه آشنایی با شعر کوتاه

چهارشنبه شعر و ادبیات

ساعت ۱۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۱۹:۳۰ تا ۲۰:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۲۰:۳۰ تا ۲۱:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۲۲:۳۰ تا ۲۳:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۲۳:۳۰ تا ۰۰:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۰۰:۳۰ تا ۰۱:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۰۱:۳۰ تا ۰۲:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۰۲:۳۰ تا ۰۳:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۰۳:۳۰ تا ۰۴:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۰۴:۳۰ تا ۰۵:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۰۵:۳۰ تا ۰۶:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۰۶:۳۰ تا ۰۷:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۰۷:۳۰ تا ۰۸:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

ساعت ۰۸:۳۰ تا ۰۹:۳۰

یکشنبه برنامه‌های

بفاه غویوں! امریکا نے اپر ناز کی
دیکھی ہوئی آج کے امریکا نے ہر
چیز پر ریاستہائے عرب کی تعلیمات کو
خود سے جو بھی چاہے کرے گا۔
حکایت یہ ہے کہ اس طرح ناز کو
مورد کر کے دہرے ہر شے کے
ریاستہائے عرب کی دہرے ہر شے کے
میں ہر شے کے ہر شے کے ہر شے کے
خود سے جو بھی چاہے کرے گا۔
دیکھو! امریکا نے ہر شے کے ہر شے کے
میں ہر شے کے ہر شے کے ہر شے کے
خود سے جو بھی چاہے کرے گا۔

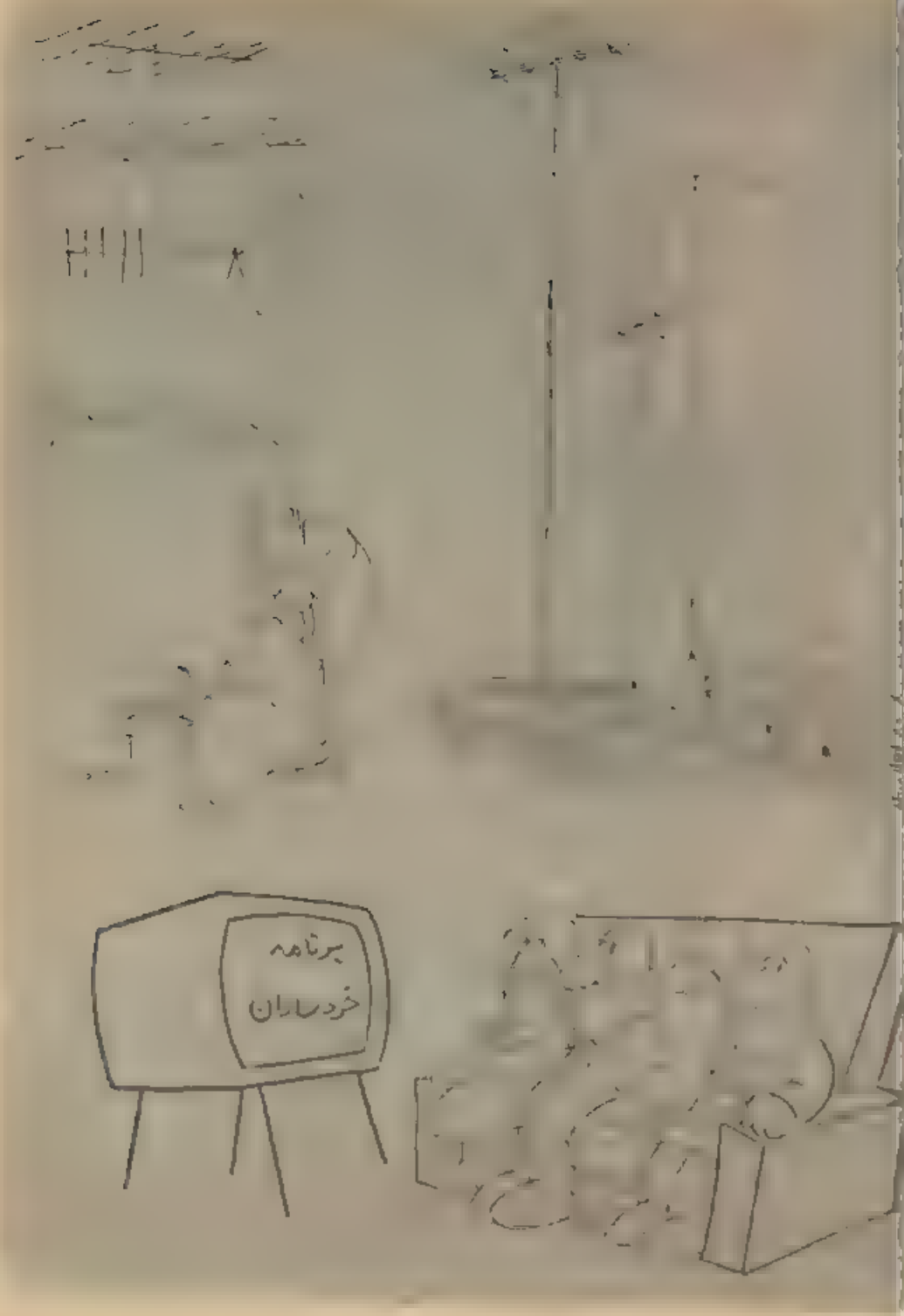
شماره	نام	محل	توضیحات
۱	مدرسه	مدرسه	
۲	مدرسه	مدرسه	
۳	مدرسه	مدرسه	
۴	مدرسه	مدرسه	
۵	مدرسه	مدرسه	
۶	مدرسه	مدرسه	
۷	مدرسه	مدرسه	
۸	مدرسه	مدرسه	
۹	مدرسه	مدرسه	
۱۰	مدرسه	مدرسه	
۱۱	مدرسه	مدرسه	
۱۲	مدرسه	مدرسه	
۱۳	مدرسه	مدرسه	
۱۴	مدرسه	مدرسه	
۱۵	مدرسه	مدرسه	
۱۶	مدرسه	مدرسه	
۱۷	مدرسه	مدرسه	
۱۸	مدرسه	مدرسه	
۱۹	مدرسه	مدرسه	
۲۰	مدرسه	مدرسه	
۲۱	مدرسه	مدرسه	
۲۲	مدرسه	مدرسه	
۲۳	مدرسه	مدرسه	
۲۴	مدرسه	مدرسه	
۲۵	مدرسه	مدرسه	
۲۶	مدرسه	مدرسه	
۲۷	مدرسه	مدرسه	
۲۸	مدرسه	مدرسه	
۲۹	مدرسه	مدرسه	
۳۰	مدرسه	مدرسه	
۳۱	مدرسه	مدرسه	
۳۲	مدرسه	مدرسه	
۳۳	مدرسه	مدرسه	
۳۴	مدرسه	مدرسه	
۳۵	مدرسه	مدرسه	
۳۶	مدرسه	مدرسه	
۳۷	مدرسه	مدرسه	
۳۸	مدرسه	مدرسه	
۳۹	مدرسه	مدرسه	
۴۰	مدرسه	مدرسه	
۴۱	مدرسه	مدرسه	
۴۲	مدرسه	مدرسه	
۴۳	مدرسه	مدرسه	
۴۴	مدرسه	مدرسه	
۴۵	مدرسه	مدرسه	
۴۶	مدرسه	مدرسه	
۴۷	مدرسه	مدرسه	
۴۸	مدرسه	مدرسه	
۴۹	مدرسه	مدرسه	
۵۰	مدرسه	مدرسه	

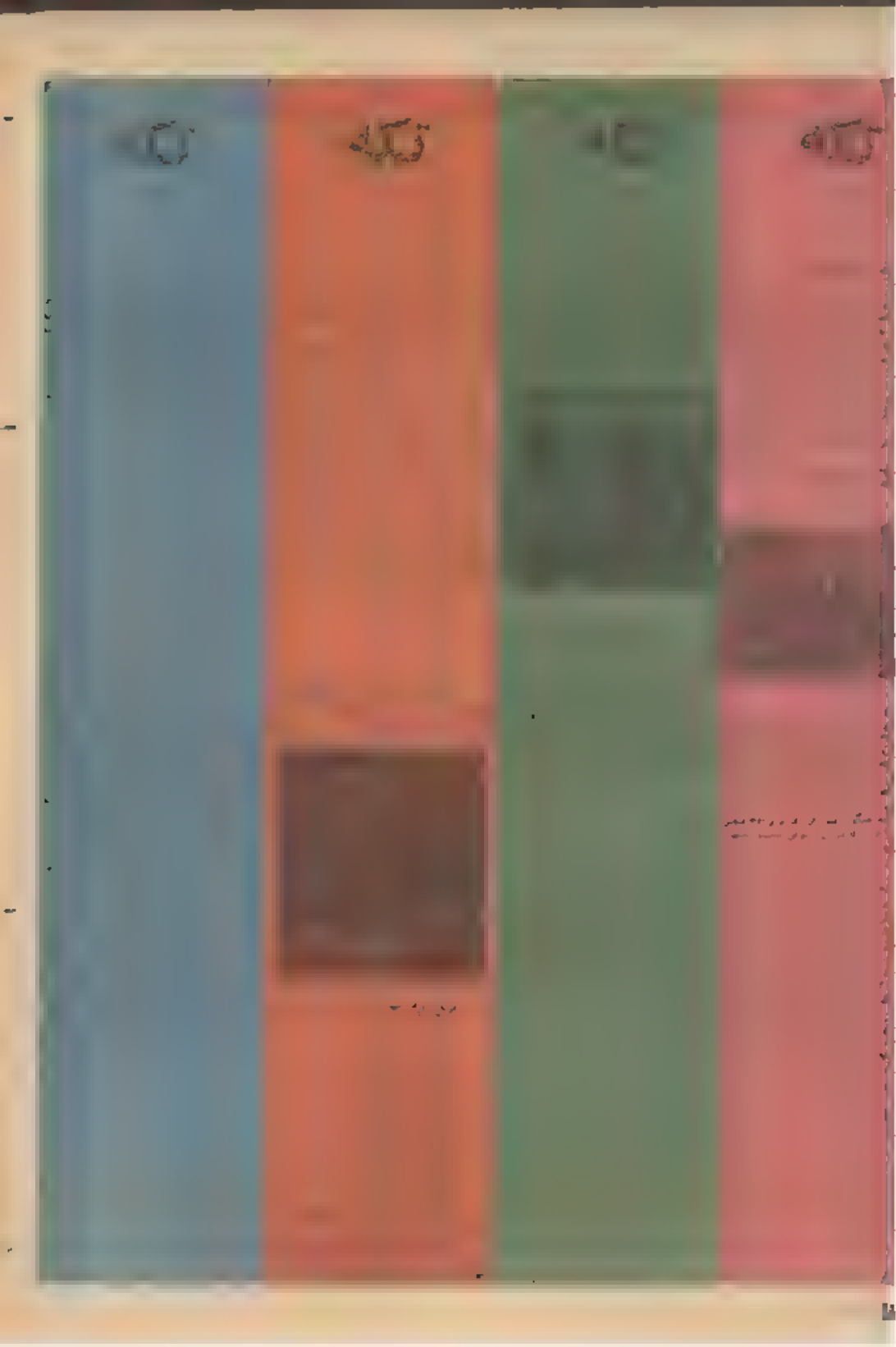
۱. کوه کافر
 ۲. کوه کافر
 ۳. کوه کافر
 ۴. کوه کافر
 ۵. کوه کافر
 ۶. کوه کافر
 ۷. کوه کافر
 ۸. کوه کافر
 ۹. کوه کافر
 ۱۰. کوه کافر

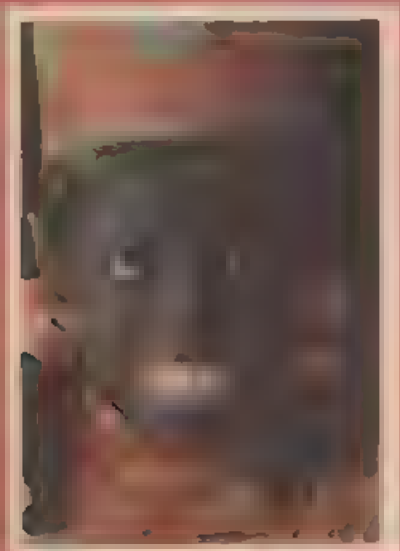
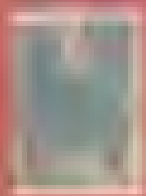
شماره جدول ۲۵۳
۲۰۰ - ۲۵۳ = ۵۳

والتر کرائیکائیت معروفترین مفسر
تلوویزیون آمریکانا ادریانا فالاجی
روزنامه نگار مشهور ایتالیا سخن
می گوید

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰



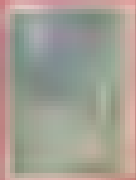
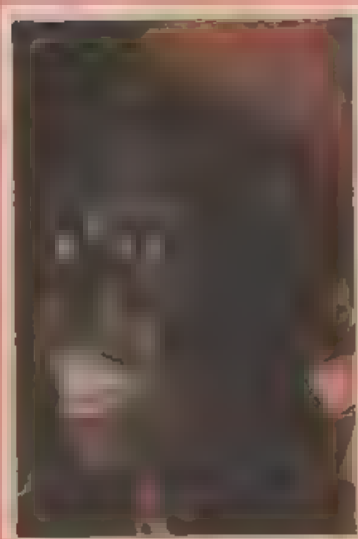




روی جلد هفته گذشته

خدا شکر که در این روزها و این سالها، هیچگاه اتفاق نیفتاده است که چهره روی جلد، هر هفته به نظر خراب آید. و

و در اینجا به شما می‌گویم، هفته جاری به جلدی رسید که امروزه جلدی خراب به آن که روی جلد جاسوس می‌باشد به جلدی سلام بود. روی جلد، حالا که یک روز جلد خراب می‌باشد، چندین نفر به آن راه که به جلدی خراب می‌باشد، هر روز که جلدی خراب می‌باشد، هر روز که جلدی خراب می‌باشد.



10

بر رائی

تاریخ ۴۵ مہر یوں

پتکار داخ می گیرم و عقیلا مرانی

پہلے سے فہر علی بیٹ

۱. زانگی حصہ لائیں ۲. باغ آبادی
 ۳. شہر منڈا ۴. ایس ۵. امت و عین امر
 ۶. تو بے پات صبیہ و یفا نسیر ۷. لو
 ۸. و کوہیں ۹. تمنا گیر شای بہد و پری
 ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲. ۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰. ۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸. ۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳. ۹۴. ۹۵. ۹۶. ۹۷. ۹۸. ۹۹. ۱۰۰. ۱۰۱. ۱۰۲. ۱۰۳. ۱۰۴. ۱۰۵. ۱۰۶. ۱۰۷. ۱۰۸. ۱۰۹. ۱۱۰. ۱۱۱. ۱۱۲. ۱۱۳. ۱۱۴. ۱۱۵. ۱۱۶. ۱۱۷. ۱۱۸. ۱۱۹. ۱۲۰. ۱۲۱. ۱۲۲. ۱۲۳. ۱۲۴. ۱۲۵. ۱۲۶. ۱۲۷. ۱۲۸. ۱۲۹. ۱۳۰. ۱۳۱. ۱۳۲. ۱۳۳. ۱۳۴. ۱۳۵. ۱۳۶. ۱۳۷. ۱۳۸. ۱۳۹. ۱۴۰. ۱۴۱. ۱۴۲. ۱۴۳. ۱۴۴. ۱۴۵. ۱۴۶. ۱۴۷. ۱۴۸. ۱۴۹. ۱۵۰. ۱۵۱. ۱۵۲. ۱۵۳. ۱۵۴. ۱۵۵. ۱۵۶. ۱۵۷. ۱۵۸. ۱۵۹. ۱۶۰. ۱۶۱. ۱۶۲. ۱۶۳. ۱۶۴. ۱۶۵. ۱۶۶. ۱۶۷. ۱۶۸. ۱۶۹. ۱۷۰. ۱۷۱. ۱۷۲. ۱۷۳. ۱۷۴. ۱۷۵. ۱۷۶. ۱۷۷. ۱۷۸. ۱۷۹. ۱۸۰. ۱۸۱. ۱۸۲. ۱۸۳. ۱۸۴. ۱۸۵. ۱۸۶. ۱۸۷. ۱۸۸. ۱۸۹. ۱۹۰. ۱۹۱. ۱۹۲. ۱۹۳. ۱۹۴. ۱۹۵. ۱۹۶. ۱۹۷. ۱۹۸. ۱۹۹. ۲۰۰. ۲۰۱. ۲۰۲. ۲۰۳. ۲۰۴. ۲۰۵. ۲۰۶. ۲۰۷. ۲۰۸. ۲۰۹. ۲۱۰. ۲۱۱. ۲۱۲. ۲۱۳. ۲۱۴. ۲۱۵. ۲۱۶. ۲۱۷. ۲۱۸. ۲۱۹. ۲۲۰. ۲۲۱. ۲۲۲. ۲۲۳. ۲۲۴. ۲۲۵. ۲۲۶. ۲۲۷. ۲۲۸. ۲۲۹. ۲۳۰. ۲۳۱. ۲۳۲. ۲۳۳. ۲۳۴. ۲۳۵. ۲۳۶. ۲۳۷. ۲۳۸. ۲۳۹. ۲۴۰. ۲۴۱. ۲۴۲. ۲۴۳. ۲۴۴. ۲۴۵. ۲۴۶. ۲۴۷. ۲۴۸. ۲۴۹. ۲۵۰. ۲۵۱. ۲۵۲. ۲۵۳. ۲۵۴. ۲۵۵. ۲۵۶. ۲۵۷. ۲۵۸. ۲۵۹. ۲۶۰. ۲۶۱. ۲۶۲. ۲۶۳. ۲۶۴. ۲۶۵. ۲۶۶. ۲۶۷. ۲۶۸. ۲۶۹. ۲۷۰. ۲۷۱. ۲۷۲. ۲۷۳. ۲۷۴. ۲۷۵. ۲۷۶. ۲۷۷. ۲۷۸. ۲۷۹. ۲۸۰. ۲۸۱. ۲۸۲. ۲۸۳. ۲۸۴. ۲۸۵. ۲۸۶. ۲۸۷. ۲۸۸. ۲۸۹. ۲۹۰. ۲۹۱. ۲۹۲. ۲۹۳. ۲۹۴. ۲۹۵. ۲۹۶. ۲۹۷. ۲۹۸. ۲۹۹. ۳۰۰. ۳۰۱. ۳۰۲. ۳۰۳. ۳۰۴. ۳۰۵. ۳۰۶. ۳۰۷. ۳۰۸. ۳۰۹. ۳۱۰. ۳۱۱. ۳۱۲. ۳۱۳. ۳۱۴. ۳۱۵. ۳۱۶. ۳۱۷. ۳۱۸. ۳۱۹. ۳۲۰. ۳۲۱. ۳۲۲. ۳۲۳. ۳۲۴. ۳۲۵. ۳۲۶. ۳۲۷. ۳۲۸. ۳۲۹. ۳۳۰. ۳۳۱. ۳۳۲. ۳۳۳. ۳۳۴. ۳۳۵. ۳۳۶. ۳۳۷. ۳۳۸. ۳۳۹. ۳۴۰. ۳۴۱. ۳۴۲. ۳۴۳. ۳۴۴. ۳۴۵. ۳۴۶. ۳۴۷. ۳۴۸. ۳۴۹. ۳۵۰. ۳۵۱. ۳۵۲. ۳۵۳. ۳۵۴. ۳۵۵. ۳۵۶. ۳۵۷. ۳۵۸. ۳۵۹. ۳۶۰. ۳۶۱. ۳۶۲. ۳۶۳. ۳۶۴. ۳۶۵. ۳۶۶. ۳۶۷. ۳۶۸. ۳۶۹. ۳۷۰. ۳۷۱. ۳۷۲. ۳۷۳. ۳۷۴. ۳۷۵. ۳۷۶. ۳۷۷. ۳۷۸. ۳۷۹. ۳۸۰. ۳۸۱. ۳۸۲. ۳۸۳. ۳۸۴. ۳۸۵. ۳۸۶. ۳۸۷. ۳۸۸. ۳۸۹. ۳۹۰. ۳۹۱. ۳۹۲. ۳۹۳. ۳۹۴. ۳۹۵. ۳۹۶. ۳۹۷. ۳۹۸. ۳۹۹. ۴۰۰. ۴۰۱. ۴۰۲. ۴۰۳. ۴۰۴. ۴۰۵. ۴۰۶. ۴۰۷. ۴۰۸. ۴۰۹. ۴۱۰. ۴۱۱. ۴۱۲. ۴۱۳. ۴۱۴. ۴۱۵. ۴۱۶. ۴۱۷. ۴۱۸. ۴۱۹. ۴۲۰. ۴۲۱. ۴۲۲. ۴۲۳. ۴۲۴. ۴۲۵. ۴۲۶. ۴۲۷. ۴۲۸. ۴۲۹. ۴۳۰. ۴۳۱. ۴۳۲. ۴۳۳. ۴۳۴. ۴۳۵. ۴۳۶. ۴۳۷. ۴۳۸. ۴۳۹. ۴۴۰. ۴۴۱. ۴۴۲. ۴۴۳. ۴۴۴. ۴۴۵. ۴۴۶. ۴۴۷. ۴۴۸. ۴۴۹. ۴۵۰. ۴۵۱. ۴۵۲. ۴۵۳. ۴۵۴. ۴۵۵. ۴۵۶. ۴۵۷. ۴۵۸. ۴۵۹. ۴۶۰. ۴۶۱. ۴۶۲. ۴۶۳. ۴۶۴. ۴۶۵. ۴۶۶. ۴۶۷. ۴۶۸. ۴۶۹. ۴۷۰. ۴۷۱. ۴۷۲. ۴۷۳. ۴۷۴. ۴۷۵. ۴۷۶. ۴۷۷. ۴۷۸. ۴۷۹. ۴۸۰. ۴۸۱. ۴۸۲. ۴۸۳. ۴۸۴. ۴۸۵. ۴۸۶. ۴۸۷. ۴۸۸. ۴۸۹. ۴۹۰. ۴۹۱. ۴۹۲. ۴۹۳. ۴۹۴. ۴۹۵. ۴۹۶. ۴۹۷. ۴۹۸. ۴۹۹. ۵۰۰. ۵۰۱. ۵۰۲. ۵۰۳. ۵۰۴. ۵۰۵. ۵۰۶. ۵۰۷. ۵۰۸. ۵۰۹. ۵۱۰. ۵۱۱. ۵۱۲. ۵۱۳. ۵۱۴. ۵۱۵. ۵۱۶. ۵۱۷. ۵۱۸. ۵۱۹. ۵۲۰. ۵۲۱. ۵۲۲. ۵۲۳. ۵۲۴. ۵۲۵. ۵۲۶. ۵۲۷. ۵۲۸. ۵۲۹. ۵۳۰

فریدی بازنگری از خود بر روی
ها گامی به آنچه از گذشتگان حایلی می آید
تخصیص مورد نظر را دستور می کند
(بر مبنای)

در هر حادثه يك معلومه نو و يك قيه
نگار است توسط همسفر جوان ، اما
چون ، تا از قديمه به جديده در
حوال ، به محال فائز در رنگ و نسبه
ممكن هاي و زواري مي شود هر چه
يال سر فائده چه بايد كرد از بدني كه
كمش به همسفر ن دارند مي بشت خود
و او را نهي مي گذريد ، ما بي بدار
به چه كشي مي آيد و سر كشي
تغيير ياب به خيال كار گران فائدي
گار خود حقيقت و چه چه بود اگر
كسر خان مي شد و از ميز سر هائي
خطري مي گزشت (مستحق در آوشي
نمائي و ري و شوهر و فر زده نوم

فر از چند بار دیگر تارک کار که می توان
جود یاری جسم گیری داشتند، عجله ها و
اکثر بارها مشاهده می شد. مثل آنکه

احسانى هر يومناز حد از علم گفتارمى به ديوانى

۱۰۰ ی نسی بال را می توان به حساب میناب
تکارگرهای و جنگلات پیشه تحفه کرد و کوچه
جسرها را با یک جوی و نوای تأثیر کجا و میناب
هر ج کجا آهوی جنوب هم با حرکات کاملاً نظری

کتاب گو دافو، یو چو چو

مسیحیان هر گاه چون در مبادیای خودم آمده
 تم بر بی حیا لطافت گوید بر کنیت پرورش
 مبادیای کنیت بختی است رانی تو پرورش حلیه
 و گویند اشخاص بازی و دو ساختار آبهای یاری
 و پیش برده و داشت از تو و حلیه خود که بدین بانی
 و حق شفا است

[illegible]

نمی‌شود کرد. البته تا چندی توفیق پیدا کردم باید به
چاکری بپردازم. خیار نظر خود شد چون واقعا هیچ
چیزی ایمن که بیست مخصوص تا آنکه به آن هوای
مستطع، خرف و افراد مختلف مختلف دارند
چرخان مربع چرخ می‌چرخان رسالت کامل
به آن می‌دهد باید آشنایی و چنان و مکان را در
نظر داشت و می‌فقط رسالت می‌دهم
عاشق در رستگاری را می‌بینم پیش می‌روم و
حاجت است البته در ۲۰ پیش از این می‌توانست
عاشق مورد توجه کارگردان قرار بگیرد و غیر از
چند ماه به نوشتن و به خط و زبان کند، ولی
در این سالها چون موضوع خسته و خسته
رومی است و در چاکری شروع می‌شود و به صورت
می‌شود می‌دهد - راه گیری برای کارگردان
می‌شود که اینک راه می‌برای می‌کند به

عزیزان! هر یک از شما می‌تواند به کمک خود و با استفاده از افرادی خارج از گروه خود، توانمند دیگران را به کمک خود و با استفاده از گروه خود، توانمند کند.

فریادش به طایفه های رنگی رسید بهیچ می خورد.
بدشاد به راهی رسید و وی نه پای شکست و
معلوم از مجتبی باشد است که بسیار طولانی
است می شود گفت يك زمان است تا بدشاد به
راه آید از حق می توان گم کرد
هفت موق بیوی بدیست ای ماه بوی ماه
فرزاد است اگرچه جلای نیکار ندی شود

پیشہ عمر سینکھنے کے لئے بہت سے محنت کر رہا ہے۔
جس کی وجہ سے اس کی عمر آج بھی کم ہے۔

من بعد این عهدی بنامه
 طاهر و طاهری ایام هسته از
 گدایان که نقش کوتهی است

بہ طور کلی ہریمہ ہا و کارگاہیں آگے در
پس تعمیرات جدید درجہ فوقہ نسبت بر آئی آست

که ما باید اینک از صفی بخیریم و در این مورد
هرگونه آموزش قبلی نداشته ایم
کلمات تعریفی بفرستید و این
بند دهانی که تکرار است، ولی بدین روش تمام
بوسه با کارگزاران و همکاران ما حدودی رفیع
این مشکل گرفته است
توضیح می‌دهم

六 畢 亥

موجہ راٹھاری نگویر یوں

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. در تمام این سالها که در این شهر زندگی کرده‌ام، هیچ‌گاه ندیده‌ام که کسی به این شکل از لباس استفاده کند.
 ۲. این لباس، که در این شهر به آن "لباس محلی" می‌گویند، در واقع یک لباس سنتی است که در گذشته به کار می‌رفت.
 ۳. این لباس، که در این شهر به آن "لباس محلی" می‌گویند، در واقع یک لباس سنتی است که در گذشته به کار می‌رفت.
 ۴. این لباس، که در این شهر به آن "لباس محلی" می‌گویند، در واقع یک لباس سنتی است که در گذشته به کار می‌رفت.
 ۵. این لباس، که در این شهر به آن "لباس محلی" می‌گویند، در واقع یک لباس سنتی است که در گذشته به کار می‌رفت.

گفتند که در آن روز هم عجب کسی بنام او
 آمد که در آن روز هم عجب کسی بنام او
 آمد که در آن روز هم عجب کسی بنام او
 آمد که در آن روز هم عجب کسی بنام او
 آمد که در آن روز هم عجب کسی بنام او
 آمد که در آن روز هم عجب کسی بنام او

[illegible]

[illegible]

گو گوش : من از تلویزیون گله دارم



من : تلویزیون مرا به مردم



در ایام نوروز، تلویزیون ملی ایران سبقت اعظم فعالیت های خود را وقف تهیه برنامه های خاص، اوقات های سبک و نمایشنامه های جذاب و شروع کرده بود و با آنجا که من به عنوان یک خبرنگار تکنیک درگیر کار های مجله و در نتیجه در جریان لایه های تلویزیون بودم مردانم که سازمان آشنای برای فعالیتات نوروزی برنامه تهیه کرده بود که مطمئناً از آنها به اصطلاح زیاد است و به خاطر کار گذشته شد، درج شده و کار شنیدم که این مساله بسبب ناراحتی و گلایه چند تن از شرکت کنندگان در برنامه های نوروزی تلویزیون شده است و مدعیان هم خوشحال و راضی بودند که کارشان به خوبی و درستی عرضه شده است. پیدا کردن هنرمندان و خوانندگان در فعالیتات نوروزی کار دشواری بود. به هر حال با آنجا که هم هست بودند و مرسته صحنه ای گرد، سؤال و جوابی گردید.

گو گوش : دل پر دردی داشت

پر سبیم : خانم، برنامه های خود تلویزیون را دیده ؟
گو گوش : جواب داد : بلیه، نظریا بیشتر برنامه ها را

تماشا کردم.

— خوب، بطور بود ؟
— خوب بود، سوژه گزیده بود و متنوع، از سببانشه و طریقت و درسی و علمی و خفیه آمد، ولی سبب آمدن این همه خوب نبود. نکته ای که می خواهم به آن اشاره کنم این است که من از تلویزیون ملی ایران گله مند هستم سبب آنست که با تلویزیون ملی ایران همکاری نزدیکی دارم و حتی یک مدتی هم باقی عدل بر خود ستایی ایشان مشاوه تلویزیون بودم برای اینکه هر هفته حرکتی که تلویزیون را باز میگردد و با مدتی سبب تلویزیون شده. از آن من و اما انتظاف داشتم که تهیه کنندگان برنامه های تلویزیون درباره انتخاب برنامه هایشان دقت بیشتری به خرج دهند. در این وقت هر وقت که تلویزیون از من اجرائی برنامه ای را خواسته است من آماده بودم و سعی کرده ام برنامه هایم را به نحو احسن اجرا کنم تا مردم بیشتر دانش یابند و ولی متأسفانه تا بحال (روز سوم فروردین) هیچ یک از برنامه های من که از من برای نوروز ضبط کرده اند پخش نشده است.

با این همه خواننده خوب در این مسکت داریم. چرا هر وقت که تلویزیون را باز می کنیم فقط یک یا دو چهره بخصوصی را می بینیم و چند کسبف گزارش را می شنویم. آیا خواننده های دیگر ملاحظه نمائید و بگلی فراموش شده اند ؟ املا چرا تلویزیون چسبیده باین دو چهره بخصوص ؟ به خاطر این که این روزها اینجا خیلی مثل پسر کرده اند و به خاطر آن دوازه بلیه را باید سرگرفت بارت ؟ ما هم خواننده هستیم، معلم های داریم، معلم طایفه هنرهای داریم، این طایفه درسنامه ای هست که علم می خوانند از تلویزیون ملی

بکتر

لطیف تلویزیون و شانس



در جاشیه بر نامه های تلویزیون

برسیم : جانم از برنامه های نوروزی نوروز
بای خودتان را می بود ؟
بعد از چند من اختراع می کنم که شهرت و
روز رادیو و تلویزیون هستم . بهترین رادیو
با دارم این است که هر وقت در تلویزیون
راکت در همان روز ها تعداد نامه های که
به چندین برابر می شود ، این واقعه دارد .
همیشه خواستارم که به عنوان هنرمند مردم
بی بدنام و واقعا کدام وسیله جتر تلویزیون
و مرا هنگامی که در تهران پیش می شد در
این شهرستانهای مختلف نیز برگزار ؟ این
بصطلاح آن من همیشه از تلویزیون بسیار

ایوانه تلویزیون . . . ایوانه

تلفنی با استعمال معروفش چنانچه بهمان
که تمام هر شد با این حال خود و کار صفت و
گفته سر دست و اشیا دیگر صفت را می گشت
رقعه پشت من صفت او را گیر آوردم .
راکت را در برنامه های نوروزی تلویزیون

له و خوش آمدید به صفت فرا .

و برنامه ها چطور بود و دربار کار خودتان
نگاری دارید ؟

به که باید قوری برون و ولی ایوانه . بهمن
در تلویزیون شو اجرا کنم . برای من داده
پس از تمام های انجمن تلویزیون و تلویزیون
آقای نخستین و نخستین برنامه شد
کنیم با داشت . من خودم شهرستانی هستم
بسیاری ها چنانچه خوشحال شده اند که برنامه
ن آنها هم پیش شده است .

به به بخشد . این موضوع بول خود رشتن
شما چیست ؟

چم هم کشیده ام که برای من حرف در آورده اند
جمع می کنم . اشکالی ندارد . من نمی خواهم
با این بولها چه می کنم چون افتاد ندارم که
چای زرد و افتاد کرد . چنانچه ممکن است
بودی جیبی را که مقداری بول خود است
که روی سوس برون و من نسبت به این
بانه بی تفاوت باشم ؟ من این بول خود ها را
بکنم و بروی چشم می گذارم . و بهمان حال
آخی ایوانه ؟

یوگارت نانه جدا باشد است که است

دو تعطیلات

اینها می او را می بینم ؟

* - آنا ، به شبیه کنندگان فیلم ؟

بگویند مانه بزرگ می بینم .

* - سالو تلویزیون ؟ شبیه آنا من با هرسانی

افاضی دو برنامه های نوروزی مواضع

هستم ولی صورت بیج تلویزیون را با رنگم

ایشان برون برون برون . ما می بینم . دیگری

خوب این صفت به این ؟

* - شما که می توانست برنامه های سال من مثل

تا آخر تمام است و سریال آدم ها به کشت

این تا آخر تمام است که به خود مردم می

دهید ؟

* - آنا خواستن می کنم بگویند به نمانی .

نما را کرده اند که قسمت آخر فیلم بنشین

دوباره بخشن شود .

* - می بینم .

* - آقای عزیز ؟ این برنامه های چیست

برنامه های خودتان را می گویید آخرت ؟

فریم چرا باید نابوک سگ جدا بشیند

تا بخواهد تا آخر تمام صد را تا تا کند ؟

* - تلویزیون ؟ آنا ایوانه . تا حال هو

وقت برنامه های تلویزیون با خود بول روزنامه

تا تمام وقت نمی گویم برنامه

نگارها اشیا کرد ما . حالا تلویزیون آمده

است و بچه ها تا آخر تمام کرد . ایوانه

همه ها برون برون بخشن این ساریان وجود

ندارد که وقتی برنامه های در بچه ها اعلام می

شود می بینم ؟ تلویزیون بخشن شود ؟

آنا ایوانه . تا آخر تمام از زبان می گوی

* - آنا ایوانه . تا آخر تمام از زبان می گوی

* - واقعا ؟ به شیت شد بد خام ؟

* - آنا ایوانه . تا آخر تمام از زبان می گوی

بشیرت برداریم .

سالی که اکنون آغاز شده است بیکان در تاریخ دو هزاره پانصد
ساله شافستانهای ایران مدتی خاص خواهد داشت « زیرا این سال بر اساس
امید و اعتماد کامل شروع میشود . ملت ایران اکنون بیش از هر وقت دیگر
به شخصیت ملی و جهانی خویش و به ارزشهای جاودانی تمدن و فرهنگ
ایرانی و به اصالت عمیق های روشن و بزرگی که برای خود بر گرفته است و
به اهمیت زمانی که تاریخ از آغاز به بعد این ملت قرار داده است » ایمان
دارد و ما همه احساس میکنیم که همچنانکه نوروز مشت چاقید ملت ایران
است « روح نوین و به تعداد خاست و فروغ معنوی و نیرو و سازندگی ، نو
نایه جاودانی طبیعت و موجودیت ماست .

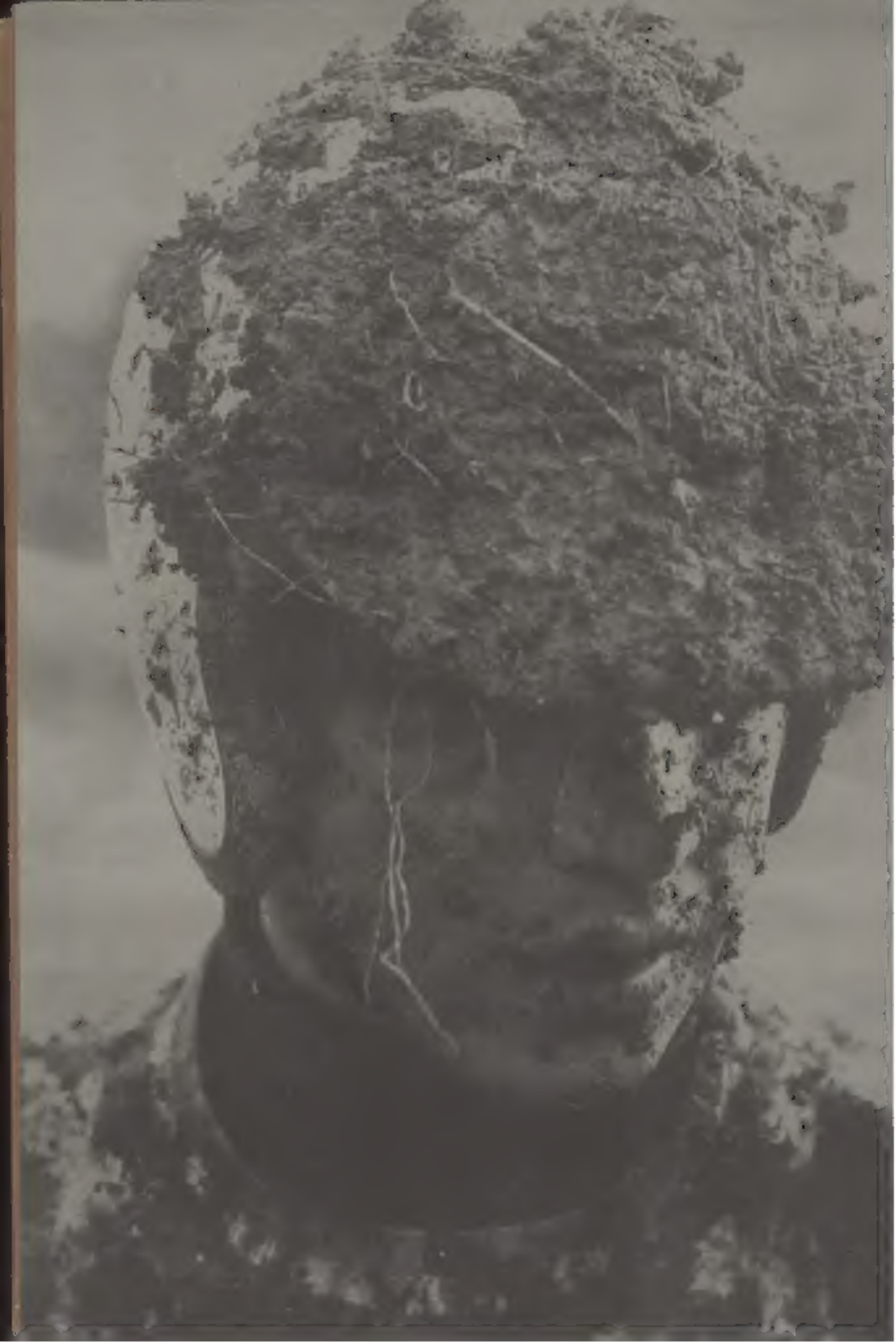
در این آغاز سال نو ، خوارانه شما را که عزایات گاهه اش عمو را شامل
حال کشور و ملت ما بوده است سیاسی بکناریم و بابت دیگر بیمان هستیم که
نواح اشعار و بیوسکی را که در هر موقع بزرگترین ضامن پیروزیهای ملی ما
بوده است بیش از پیش تقویت کنیم و تصمیمات و گوشه های از حسیله تلاش
خوبتر را برای تحقق کامل انقلاب نامی و معنوی همه گیری که میباید ملت
مارا بصورت یکی از پیشرفته ترین و حرفه ترین ملت های جهان در آورده ایم
همین و من بین حال ایوانه واقعه خوشی را در صحنه بین المللی بیفیع همین
سعادت و پیشرفت واقعی جامعه بشری از یاد ببریم .

خداوند بزرگ در این راه ، با ی تقاضای همه شما باد .

وسیع و به مفهوم واقعی آن ملی گردید . در امور معنوی و که باید آنرا اساس
جامعه نوین ایران بشمار آورد و در آن انقلاب آموزشی که جامعه فردای ایران
بر آن پایه نهاده شده است پیشرفت عالی کامل و شایسته بخشن حاصل شد .
امور مربوط به ساختن معمار و توسعه شبکه برق و شبکه های ارتباطات
روز و در زمانه بطور نامتکمیل پیشرفت کرد . فعالیت های جاری در اجرای تمام
شئون انقلاب بخوبی نشان میدهد که در سال کنونی و سال های بعد انقلاب
ایران با دربردار همچنان شکوفایی و نیروبخشی خواهد شد .

کام پندار نیست که در سال گذشته در صحنه بین المللی پیروزیهای
بکری به سبب « حتی به تکریم نصیب ما گردید . در امر استقلال ، حقوق
ملت ایران از پاینده اند . ما با ایوانه تقنی اطلاع که از بکطرف پروافع پیش
و معنی و از طرف دیگر بر تحفیم فراز اولی به حیات مسافح حبه و قانونی
ملت ایران معنی بود « توانستیم که تنها بر عواید مالی کشور خود و کلیه
کشورهای عضو سازمان او را از پاینده نشاندیم ، بلکه این پیروزی ما
اساسی اصول و در گونی معنی در روابط اقتصادی بین المللی گردید که اکثر
از در وضع آینده سراسر جامعه بشری محسوس خواهد شد . از طرف دیگر
در سال گذشته سازمان ملل متحد با تصویب پیشنهاد ما در مورد تعیین کمیسیون
خدمتکاران بشر ، بر اساس ما در ایجاد یکی از بزرگترین نیروها و سازمانها
های معنوی تاریخ جهان صحنه نهاد و ما بدین ترتیب توانستیم بر اساس
موراثت معنوی و فرهنگی دربر گرفته ملت ایران کام نازدای در خدمت به تمام

برای از صحنه ؟





Nivada ORANUS

نیوادا - اُرانوس ساعت عصر فضا



نیوادا گرونومتر دار

نیوادا تقویم دار

نیوادا زنگ دار

ضد ضربه. واترپروف

تنها ساعتی که ۱۰ سال ضمانت شده است